عالم محمد نفس عجیب و متاعی ثمین خوب بست در موسم حج آنجا توان یافت و مطعومات و ثمراتی که در آنجا حاصل میشود بسیار
بدست می آید دیگر اعظم آنکه چون صاحب بصیرتی از روی تفکر و تأمل صافی خانه کعبه را چون نقطه مرکز زمین کند و مواقف
که در نماز متوجه آن صوب اند چون دوایر وی که محیط باشند بر مرکز توهم نماید هر آینه داند که صفوف محیط بدین مرکز در هر عالم
بوقت اشتغال بنماز بسیار اند و در هر صفی چندین بنده روی پرستش بحضرت معبود دارند و شک نیست که از این بندگان
بعضی باشند که ارواح ایشان مجاور ریاض قدس بود و قلوب ایشان سایر منازل انس و اسرار ایشان ملمعات انوار محبت
ربانی منور و ضمایر ایشان از آثار صفات نفسانی مطهر   بتن در پردهٔ طاعت نوا ساز   بدل آسوده در خلوتگه راز بس
وقتی که چنین صاحب دولتان که بارواح زاهره متوجه کعبه جمال باشند و باجساد ظاهره بجانب کعبه جسمیه توجه نمایند
بی شبهه هر که مجاور بازار ایشان حرم محترم باشد لمعهٔ از انوار ارواح ایشان بدو خواهد پیوست و نور آئینه روح او زیاده شده
استحقاق استفاضه اش از عالم قدس به مضاعف خواهد گشت و نشو و نمائی که روح را میباید تا از اسفل سافلین تعلقات
بمشاغل کونیه ترقی نموده باعلی علیین تجرد متصاعد گردد درین محل روی خواهد نمود و این تمامی برکت و نهایت جمعیت است
مصرع مقصود اهل حال همین حالتست و بس :: دیگر برکت دایم معنی دوام و ثبات فرود آرند آن نیز ظاهر است که هر گز
کعبه از طایف و عاکف و زایر و ناظر خالی نیست و در تشویق آورده که تا آن مهندس حکمت طرح آن عمارت انداخته معمار
عالم خلقت آنخانه را تمام ساخته هرگز از طایفه از طایفان نبوده یا جمعی از ملایکه کرام اجازت طواف آن مطاف اکرام یافته
اند یا گروهی از آدمیان بقدم نیاز بدان طوافگاه نشتافته یا زمرهٔ از جنیان جهت زیارت عنان عزیمت بصوب آن بارگاه
تافته ای درویش تا لمعهٔ آن آفتاب عالم افروز از افق تکوین طالع شده ذرهٔ هوادار کم نیامده و تا چهرهٔ آن شمع جهانتاب
در لگن حرم برافروخته پروانه جانباز نبوده بیت هر چند رخ شمع برافروخته تر :: پروانه ز سوز شوق او سوخته تر :: در تفسیر کواشی آورده
که چون زمین کرویست پس هر آنی که از زمان فرض کنند صبح جمعی تواند بود و ظهر قومی و عصر طایفه و مغرب جماعتی و عشاء گروهی
پس کعبه هرگز از توجه قومی بوی برای ادای نماز خالی نباشد بیت وابستگی تمام دارم با تو :: یکدم نه علی الدوام دارم با تو وهدی
و این خانه هدی است للعالمین مر عالمیان را که بمعرفت قبله ایشان را مهتدی میسازد و یا راه مینماید است مسلمانان
ببهشت چه ادای نمازی که در آن متوجه بوی باشند موجب دخول جنتست و گفته اند هر که بهمت عالی قصد زیارت خانه کند
هادی برکت آن مقام او را بمنزل مقصود در مرام رساند قولی دیگر آنست که این خانه دلالت میکند بر وجود صانع مختار یا آنکه در
و اقعست از عجایب قدرت و بدایع حکمت چنانچه فرمود فیه درین خانه آیات بینات نشانها روشنست و بعضی
گویند آیات مناسک حج اند پس معنی چنین بود که در حج این خانه شعار و مناسک است و بعضی گویند فیه یعنی در حرم که آیات بسیار
مذکور است و استدلال کرده اند بآنکه یکی از آیات آنست که میگوید مقام ابرهیم و آن نه در خانه که در حرمست ای آیات
مقام ابراهیم بدلست از آیات بینات بدل البعض از کل و اگر عطف بیان دارند هم راست می آید چه مقام ابراهیم بر سنگی است

بر سنگی

بلکه پنج آیتست ۱ اثر قدم خلیل در آن صخره صما که سنگ تراشان با ادوات الماس نصل با بسیاری از زمان اندک
نقشی بران نتوانند انگیخت ۲ غوص کردن قدم آنحضرت تا کعبین در آن بی آنکه ملتی بقدم مبارک وی رسیده باشد ۳
متأثر شدن این صخره از میان صخور و آن جز بتجلی از حکم ربانی نبوده ۴ باقی ماندن رقم آن قدم بر صفحات ایام دهر
دون آثار سایر انبیا علیهم السلم ۵ محفوظ بودن آن سنگ چندین هزار سال و در سورهٔ بقره سر وجه جمالی در باب این
سنگ مذکور شده و این صخره یاقوتیست از معدن جنات عدن برون آمده چنانچه در حدیث وارد است که رکن
و مقام دو یاقوتند از یواقیت بهشت ع جز در آن کان نتوان یافت چنین گوهر پاک و این خصایص کعبه است
که چنین مقامی نزدیک وست و نماز در آن از شعایر و شرایط زیارت او و بیت المقدس را این فضیلت نیست و یکی
دیگر از فضایل خانه است که و من دخله و هر که در آمد درین خانه کان امنا باشد ایمن از قتل و غارت یعنی گناهکاری
که پناه بدین بیت معظم آرد بجهت احترام بیت ما دام که خانه را پناه ساخته از تعرض ایمنست و این صورت در اوقات جاهلیت
مرعی بوده و در زمان دولت اسلام نیز چنین است فتوی امام اعظم بر ینوجه است که هر که قتلی برای ارادت قصاص فرض
آن لازم گردد و پناه بخانهٔ کعبه دهد متعرض قتل وی نشوند اما بر خروج اکراه کنند و بقول بعضی که مراد حرمست درین مسئله
اختلافی هست در زاد المسیر آورده که اجماع منعقد است که جانی حرم را امان ندهند زیرا که هتک حرمت حرم کرده بدین جهت
امان از وی برخواسته پس حکم آیه خاص باشد بجمعی که در خارج حرم از ایشان جنایتی صادر گردد و پس هر که بیرون حرم جنایتی
کند که بران حد باید زدن و پناه بحرم دهد یک روایه از امام احمد آنست که اگر بر وقطع ید یا حد زنا لازم شده باشد اقامت
آن حدود در حرم روا نشاید اما با او مبایعت و مکالمه امثال آن نباید کرد تا بضرورت از حرم بیرون رود و در روایتی آنست
که فیما دون القتل اقامت حد کنند و امام اعظم درین روایت متفق است اما مالک و شافعی اقامت جمیع حدود کنند
بروی خواه در نفس خواه ما دون النفس و نزد ایشان توقف در اقامت حق جایز نیست تا حدی در مسجد الحرام بقصاص مشغول نشوند
ای عزیز و من دخله کان امنا نزد بعضی علما جمله ابتدائیست و هیچ تعلق بما قبل ندارد و پیش بعضی شرطیت است و از
حیثیت معنی معطوف بر مقام ابراهیم یعنی بعضی از این آیات بینات ایمن شدن داخل خانه است از کشتن خون وی و لو
صورت کلام خبر است و معنیش امر یعنی ایمن گردانید داخل بیت را از تعرض بر وجه این خانه حصن حمایت و حصار سلامت است
و درین المعنی آورده که اول جماعتی که پناه بحرم آوردند ماهیان خرد بودند که در زمان طوفان نوح م از خوف ماهیان بزرگ
بزمین کعبه پناه گرفتند و کشتی امید ایشان ببرکت آن مقام بساحل مراد رسید بیت باستانت هیچ کسی که رو نهاد
از آفت روز جهانست فی امان الله و گفته اند معنی آیه آنست که هر که در سال عمرة القضا با حضرت مصطفی صلوات الله علیه بحرم
در آمد ایمن بود از مشرکان کما قال الله تعالی لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنین قولی دیگر آنست که هر که بحرم در آمد بجهت ادای
حج و عمره خالصا برای رضای خدای آلودگی بشو آب غرض دریا امروز این باشد از گناهانی که پیش از حج مرتکب آن شده یعنی

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)